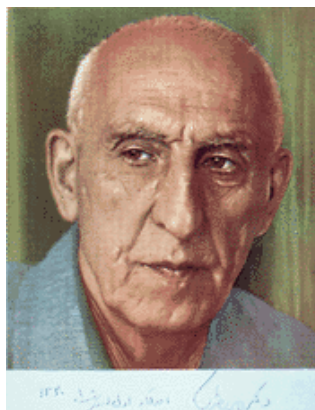


## میراث سیاسی مصدق و نهر و برای جهان امروز: آزادی اندیشه و بیان، همیشه همیشه\*



قاضی ویلیام داگلاس

برگردان از حمید اکبری

\* یادداشت: این عنوانی است که من برای ترجمه بخش هایی از متن سخنرانی قاضی ویلیام داگلاس زیر عنوان «یک کردار ضد آمریکایی» برگزیده ام. قاضی داگلاس این سخنرانی را به مناسبت دریافت جایزه «لاتریاک برای مدافعین آزادی های مدنی» در مقابل سندیکای نویسندگان آمریکا در سوم دسامبر ۱۹۵۱ ایراد کرد. اگرچه موضوع روز مطرح در سخنرانی قاضی داگلاس «کمونیسم» است، ولیکن جوهر اصلی سخنرانی وی در ضرورت دفاع از آزادی بیان، کماکان مربوط به مسایل امروز جهان است. امروز ما در سطح جهانی و به ویژه در آمریکا، با محدودیت آزادی بیان در ارتباط با وحشت ناشی از آدمکشی افراطی های اسلام پیشه رویرو هستیم و در سطح ملی (ایران) شاهد واقعیت هولناک ۳۰ ساله سرکوبی تمام عیار آزادی های سیاسی، اجتماعی و فردی بوسیله جمهوری اسلامی هستیم. قاضی داگلاس معتقد است که صیانت آزادی اندیشه و بیان سنگ بنای تمدن امروزی است. او می گوید که نه فقط غربی ها، بلکه تمامی آزادیخواهان جهان در هر نقطه دنیا بنابر سرمشق هایی چون مصدق و نهر، بهترین پادزهر نظام های تمامت خواه و آزادی کش - چون کمونیستی آن دوران و جمهوری اسلامی این دوران - هستند و می بایستی مورد پشتیبانی مردم خودشان و کشورهای آزاد قرار گیرند.

من هنگامیکه برای نخستین بار این سخنرانی را خواندم و به بخش تأکید قاضی داگلاس به «آزادی اندیشه» رسیدم، فوری به یاد شعار اولیه نهضت دانشجویی ایران در نوزایی آن در اواخر سالهای ۷۰ خورشیدی افتادم. دانشجویان ایرانی این شعار را داشتند: «آزادی اندیشه، همیشه همیشه». پیام نهفته در شعار اینستکه جمهوری اسلامی، علیرغم دست یازیدن به هر نوع وسیله ایجاد خفقان، هرگز نمی تواند آزادی اندیشه را از مردم ایران و دانشجویان بعنوان پیشرو جنبش دموکراسی خواهی ایران سلب کند. و این گونه است که میراث جهانشمول آزادیخواهانی چون مصدق، نهر و قاضی داگلاس در شعار آزادیخواهانه دانشجویان ایرانی پژواک می یابد.

از آنجاییکه سخن از نوزایی دموکراتیک دانشجویان ایرانی در اواخر دهه ۷۰ رفت، می خواهم بعنوان یک استاد ایرانی خارج از کشور این برگردان را تقدیم به اکبر محمدی و احمد باطبی بعنوان نمایندگان دانشجویان مبارز آندوره نمایم. از این دو نفر، یک تن به فجیع ترین وضع به وسیله نظام جمهوری اسلامی به قتل رسید و دیگری علیرغم تحمل شکنجه و زندان، هنوز پرچمدار شرافت و خون به ناحق ریخته دانشجویان شکنجه شده و به قتل رسیده است.

متن بخش هایی از سخنرانی قاضی داگلاس:

«هر دوره ای از تاریخ برخوردار از تجربه ی وحشت ناشی از تغییر و تحول بوده است. آمریکا نیز از این قاعده جدا نیست. در پایان قرن نوزدهم، شبخ استیلای نظریه آناش و سوسیالیسم بر کشور ما سایه انداخته بود.

ما امروز به جرئت شاهد گسترده ترین سرکوبی ابراز نظر در تاریخ کشورمان هستیم. این سرکوبی بیش از آنکه به دلیل ترس از زندانی شدن باشد، ناشی از ترس اخراج از کار و یا ممنوعیت احراز شغل تدریس و یا سخن گویی در

راديو و يا محروميت از ارايه سخنرانی در مجامع است. این گونه مجازات ها بنوبه خود موثرتر و قوی ترند. ضربه ناشی از این مجازات ها کمتر از زندانی شدن نیست.

... ما می دانیم که سلامت تمدن ما در این نهفته است که ما آزادی اندیشه و بیان را بعنوان عامل زنده و اساسی پاس بداریم.

غرور ما برخاسته از بالیدن به سیستمی است که برخورداری از اعتقادات غیر مرسوم در زندگانی را مجاز می شناسد. ما نمی خواهیم که نهادهای موجود جامعه را نابود سازیم و نه خواهان تحلیل بردن اعتقادات مرسوم هستیم. ما می خواهیم که فضای کافی برای طرح نظرات انقلابی مهیا باشد. نظرات انسانها مانند صاحبان آنها نیازمند ابرازند. بازار اجتماعی، نظریات افراد و گروهها را به محک می گذارد، برخی را می پذیرد و بسیاری را مردود می سازد. بر اثر وجود تبادل نظر است که تعصب ها و تبعیض ها به چالش کشیده می شوند و توانایی پذیرش و رویارویی با شرایط جدید فراهم می گردد.

ابتکار سیاسی نیاز بزرگ زمانه ماست. امروز مردم دنیا به دلایل گوناگون بسیاری از لنگرهای آرامش خود را از دست داده اند. و بهر دلیلی که باشد، نتیجه آن یک حس فزاینده نداشتن امنیت و آسایش است. و این حس است که زمینه اصلی برای نفوذ کمونیسم [و اسلامیسیم] را می گشاید. کمونیست ها یک گستره جهانی از برابری برای همه مردم بدون نظر گرفتن نژاد و رنگ و ملیت آنها نوید می دهند. از این روی است که کمونیسم دارای جاذبه بزرگی برای بسیاری از مردم است.

ما، کسانی که به جامعه آزاد باور داریم - و با «ما» منظور من نه تنها ما شهروندان غرب است، بلکه این ما شامل نهر و هندوستان، ماگ سی سی فیلیپین، مصدق ایران و سایر خویشاوندان با روحیه مشابه در نقاط مختلف جهان است - قادریم که بیش از هر حکومت کمونیستی [و اسلامی] آزادی و برابری به دنیا عرضه کنیم. اما اگر ما می خواهیم که مردم را جلب خود کنیم، می بایستی که طرح های جدید سیاسی برای اینکار تعبیه کنیم.

این تلقی ما در باره آزادی اندیشه و بیان است که سرنوشت ما را رقم خواهد زد. نباید هیچ محدوده ای بر دامنه بحث معقول که با ملایمت مطرح شود قابل شد و نه هیچ محدوده ای برای اندیشه. طرح هیچ موضوعی نبایستی ممنوع اعلام شود. هیچ سانسوری بر اجتماعات نبایست هموار شود. ما نیازمند تدبیر برای جلوگیری از رویدادهایی از نوع هولوکاست هستیم.

در عصر آشفته کنونی، وظیفه حفاظت از آزادی های مدنی آسان نیست. ولی من اطمینان دارم که جامعه متمدن ما افراد زنده را برای اینکار در بر دارد. مردم نیازمند چنین افرادی بعنوان رهبرانی با شهامت و معتقد به آزادی بیان هستند.

سرآمد معضلات این عصر ایجاد تشکیلات و روش های سیاسی نوین برای صف آرایی مردم جهان در یک نهضت درست برای آزادی است. عدم ابتکار ما در این زمینه منجر به تنگ شدن عرصه جهان نظریه ها [به وسیله عناصر ضد دموکراسی و آزادی در آمریکا] به یک مکتب و یا یک نقطه نظر به بهانه وحشت ناشی از کمونیسم [یا اسلامیسیم] می شود. محدود ساختن آزادی اندیشه و بیان از خطرناکترین خرابکاری هاست. و این همان یک کردار ضد آمریکایی است که می تواند بسهولت باعث شکست ما بشود.»